

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء استاد محمد نسیم «اسیر»

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شگفته خنده کنان چون سپیده سحری
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
ز خویش بی خبرم کرد، وه چه بی خبری
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
نداشت در دل سنگش، نیاز من اثری
سرخن نگذارم به هیچ خیره سری
سریست بین من و یار، اگر سَرَم برود
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسى
عقیق احمر جانپور است، یا شکری
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
که گر به شعله نشینم، نمی کند نظری
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
خری به عیسی مریم شده ست همسفری
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
کنم گزر به ره و رسم دلبر دگری
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
عجب مکن که به شهر اوقتاده شور و شری
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت
که تا به حشر نیابی دگر ز من اثری

بنازم آن پدري را که چون تواش پسر است خوش آن پسر که برد فيض آنچنان پدري
به شکر نعمت یک خنده، شکر افشاندی
«اسير» این سخت نیست کمتر از شکري

(شهر کابل - قوس 1337 ش)